



مرگ جورج بایرون شاعر و ادیب بلندآوازه انگلیسی (1824م)

لرد جورج گوردون نوئل بایرون ادیب و متفکر انگلیسی، در 22 ژانویه 1788م در لندن به دنیا آمد. وی دوران کودکی را در محیطی پرماجرا و عنان گسیخته گذراند و تحت فشار مادری تندخو و بی‌محبت، تربیت شد.

لرد جورج گوردون نوئل بایرون ادیب و متفکر انگلیسی، در 22 ژانویه 1788م در لندن به دنیا آمد. وی دوران کودکی را در محیطی پرماجرا و عنان گسیخته گذراند و تحت فشار مادری تندخو و بی‌محبت، تربیت شد. بایرون پس از ورود به دانشگاه، اولین مجموعه شعر خود با نام ساعات فراغت را منتشر کرد که نظر منتقدان را جلب نمود و گروهی هم آن را به دلیل تأثیرپذیری از مکتب رمانتیسم با توجه به احساسات و تخیل و به صورت داستانی، مورد انتقاد قرار دادند. بایرون نیز در مقام مقابله، مجموعه معروف رامشگران انگلیسی و منتقدان اسکاتلندی را نوشت و بی‌درنگ به سوی مشرق زمین سفر کرد. وی در بازگشت، اشعار تازه‌ای را عرضه داشت که بیشتر آنها جنبه ملودراماتیک یا بد آغاز و خوش فرجام دارند و در تمام آنها شور احساس موج می‌زند. بایرون یک بار برای اینکه قطعه بسیار معروف زندانی شیلن را بسازد با پای خود به برج شیلن رفت و چندی مانند محبوسین در آنجا زندگی کرد تا بتواند به روحیه زندانیان سابق آن مکان پی ببرد. در نتیجه، این قطعه او از بزرگ‌ترین شاه‌کارهای حیات ادبی بایرون به شمار می‌رود. وی در سال 1824م پس از درخواست آزادی‌خواهان یونان برای مقابله با امپراتوری عثمانی، به جنگ عثمانی شتافت و در حین جنگ در 19 آوریل 1824م در 36 سالگی بر اثر تب درگذشت. علاوه بر ادبیات، بایرون به فلسفه نیز توجه داشت ولی نظرات خود را با توجه به زندگی ناگوار خویش ارائه داد. وی اعلام کرد که همه چیز پوچ و بی‌فایده است و من در کاخ و باغ و حدم و حشم و پول، معنی حیات و زندگی را در نیافتم. بایرون می‌گفت: بدی و شرارت با خون من عجین شده است. با این حال معتقد بود که کلمات چون ابزارند و هر قطره کوچکی از مرکب، هنگامی که مانند شبنمی بر صفحه اندیشه چکد، چیزی به وجود می‌آورد که هزاران بلکه میلیون‌ها نفر را به تفکر وا می‌دارد. لرد بایرون، گرچه در زندگی خصوصی و خانوادگی خود، دچار انحرافات و رفتارهای غیراخلاقی بود، اما نوشتارهای فراوانش که در بعضی از آنها از گوته و دانته الهام گرفته بود، باعث رونق ادبیات داستانی و شاعرانه انگلستان و گسترش آن در سراسر اروپا گردید. بایرون آدم خودپسند و مغروری بود و خود را بهترین شاعر و مرثیه‌گو می‌دانست نبوغ او فقط در هجاسازی بود. قدرت توصیف و نمایش احساس‌های انسانی او زایدالوصف بود و آثار بدیعی به تقلید از کارهای وی شکل گرفته‌اند. با آنکه انگلستان به سبب رفتار ضد اخلاقی و عصیان‌ش بر ضد آداب و رسوم، او را طرد کرد، باید دانست که بدون وجود بایرون، هرگز چنان تکاملی در ادبیات رمانتیک انگلستان که سراسر اروپا را فرا گرفت پدید نمی‌آمد. در حال حاضر، بایرون در خارج از انگلستان مشهورتر از داخل این کشور است.